

۳ خرداد ۱۳۹۴ - شماره: ۱۹

# مقاله‌ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

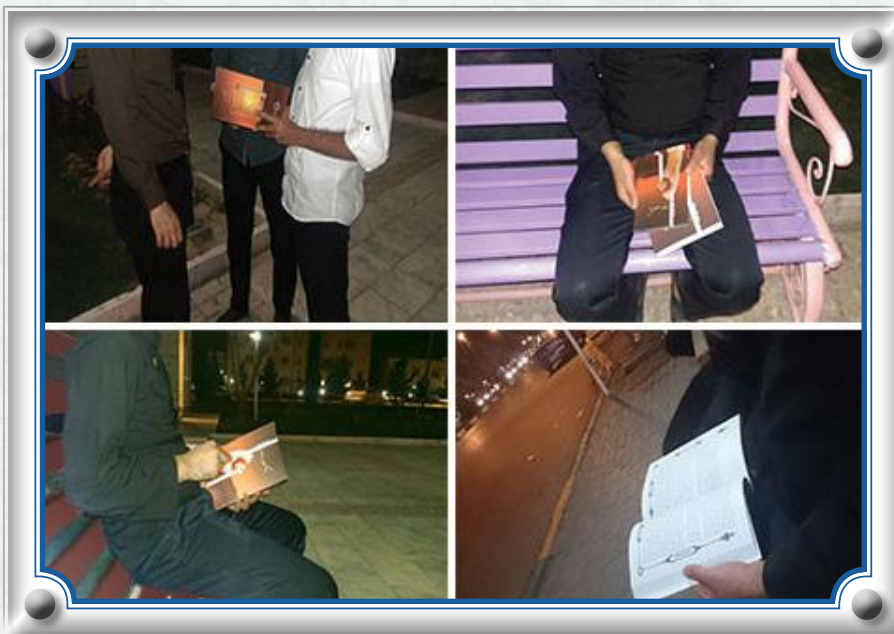
یادداشتی بر ابهامات و حواشی کتاب  
«بازگشت به اسلام» نوشته‌ی منصور  
هاشمی خراسانی

نویسنده مقاله:

یوسف سلیمی

**توجه:** دیدگاه درج شده دیدگاه ارسالی توسط یکی از کاربران است و لزوماً دیدگاه این دفتر محسوب نمی‌شود.

## بسم الله الرحمن الرحيم



توزیع گسترده‌ی کتاب «بازگشت به اسلام» نوشته‌ی منصور هاشمی خراسانی در ایران، مدّتی است که نقل محافل علمی و فرهنگی این کشور شده و بسیاری از اساتید، طلاب و دانشجویان و گروه‌های دیگری از مردم را به اظهار نظر درباره‌ی آن واداشته است. برخی نسبت به این کتاب نگرش مثبتی دارند و از آن تمجید می‌کنند و برخی هم که منفعل از جوسازی‌های موجود نسبت به آن سوء ظن پیدا کرده‌اند، به کلی آن را رد می‌کنند و گروهی دیگر نیز با وجود پذیرش جهاتی از آن، به برخی قسمت‌های آن انتقاداتی را وارد می‌دانند و خلاصه بازار نقد و گفتگو درباره‌ی این کتاب جدید و متفاوت، گرم است.

اما صرف نظر از همه‌ی این موضع‌گیری‌ها و اختلاف نظرها چیزی که در این میان بسیار جای تأسف دارد این است که اغلب کسانی که درباره‌ی این کتاب سخن می‌گویند، به جای پرداختن به محتوا و مباحث مطرح شده در آن، به حواشی کم‌اهمیتی مانند کیفیت انتشار آن یا هویت نویسندگی آن و یا مسائل فرعی دیگر از این دست می‌پردازند و اگر نکته‌ای منفی را ذکر می‌کنند، غالباً از دایره‌ی این دست موضوعات خارج نیست. البته با در نظر داشت انصاف باید گفت که شکل انتشار و کیفیت توزیع این کتاب در ایران به شکل معمول و رایج انجام نشده است و می‌توان گفت از موارد استثنایی و خاص در امور طبع و نشر محسوب می‌شود

و از طرف دیگر نویسنده‌ی آن نیز دست کم برای اغلب مردم شناخته نشده و مجهول است؛ چراکه نام او را پیش تر نشنیده‌اند و یا کتابی دیگر از او را نخوانده‌اند. هر چند ایشان با وجود این شهرت‌گریزی و دوری از خودنمایی، یاران و شاگردان بسیاری دارد که با شخصیت والا و مقام علمی ایشان آشنایی کامل دارند و از محضر ایشان بهره‌های علمی فراوان برده‌اند، اما با این حال، طبیعی است که مواردی از این دست برای بسیاری از مردم سؤال برانگیز و عجیب است و شبهاتی را پدید می‌آورد؛ خصوصاً اگر عده‌ای از مخالفان و کسانی که با انگیزه‌های سیاسی مشکلات جدی با این کتاب دارند، با فشار تبلیغات خویش این‌گونه القا نمایند که ابهامات مذکور در حواشی کتاب به محتوای آن نیز تسری می‌یابد و آن را نیز زیر سؤال می‌برد!! اما به نظر می‌رسد که سخن معقول و رسیده آن است که گرچه این موارد مبهم و مجهول، ذهن خوانندگان را به خود مشغول می‌کند و سؤالاتی چند پدید می‌آورد، اما روشن است که چنین ابهاماتی هرگز نباید مخاطب را از بررسی و واکاوی اصل سخن و تحلیل و نقد محتوا باز دارد. این نظر، جدا از آنکه حکم عقل و احتیاط است، این نکته را نیز یادآوری می‌کند که آستانه‌ی تحمّل و ظرفیت و سعه‌ی صدر در نظام سیاسی و فرهنگی کشور ما در اغلب موارد پایین است و متأسفانه خطوط قرمز در این حوزه‌ها اغلب با تنگ‌نظری و محافظه‌کاری فراوان ترسیم می‌گردد، لذا از جهتی دیگر و با کمی التفات به شرایط فرهنگی و سیاسی ایران، کاملاً طبیعی است که نویسنده‌ای مسلمان و آزاداندیش که تفکراتی نوین و متفاوت و چه بسا مغایر با قرائت رسمی و پذیرفته شده از اسلام توسط نظام این کشور در سر دارد، قادر نباشد برای طرح و بیان تفکرات و دیدگاه‌های خود و یا انتشار آثارش از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان‌های ذیربط آن مانند سازمان تبلیغات اسلامی، با لحاظ سخت‌گیری‌های بسیار و ممیزی‌های تکلف‌آمیز و مضیق آنان، مجوّز بگیرد. بنابراین، با توجّه به این ملاحظه‌ی معقول، محتمل و نه چندان بعید، ابهامات و شبهاتی نظیر اینکه چرا کتاب مجوّز یا شابک ندارد و یا ثبت در کتابخانه‌ی ملی ایران نیست، پاسخی آسان و قابل قبول دارد و هیچ احتیاجی نیست که آنان کتاب را مشکوک یا انحرافی یا وابسته به استکبار!! بدانند.

به علاوه، باید توجّه داشت که بنا بر اعلام رسمی دفتر ناشر و قرائن و شواهد فراوان دیگر، این کتاب در خارج از ایران به چاپ رسیده و همزمان با توزیع در برخی کشورهای شرقی، در ایران نیز توزیع شده است و با این وصف، استفهام و پرسش از چرایی شابک نداشتن یا مجوّز نداشتن کتاب بسیار مضحک و عجیب به نظر می‌رسد! البته روشن است که چاپ و تولید یک کتاب در خارج از کشور لزوماً به معنای خطا بودن همه‌ی آن و یا وابستگی‌اش به کفار نیست؛

همچنانکه چاپ و انتشار یک کتاب در داخل کشور به معنای صحت آن و یا عدم وابستگی‌اش به کفار نیست؛ چراکه بر اهل انصاف پوشیده نیست که متأسفانه و علی‌رغم تصور برخی که اطلاع کافی از اوضاع ندارند، در حال حاضر در داخل کشورمان کتاب‌های بسیاری با موضوعات غیر اسلامی و مروج مکاتب الحادی مانند پلورالیسم و سکولاریسم و تبلیغ عرفان‌های هندی و سرخپوستی و مرام‌های صوفیانه و خرافی و ترویج مبانی متناقض فلسفه‌ی غرب، آن هم با مجوز نشر وزارت ارشاد و به صورت قانونی!! چاپ و منتشر می‌گردد. لذا فرهیختگان و اهل معرفت و بصیرت مستحضرند که محل چاپ یک کتاب هیچ ارتباطی به صحت و سقم محتوای آن ندارد و درست یا غلط بودن آن را ضمانت نمی‌کند و نیز به خوبی می‌دانند که مجوز وزارت ارشاد یا نهادهای ذیربط آن از مطهرات شمرده نمی‌شود و صافی‌ها و ممیزی‌های داخل کشور به مثابه‌ی وحی منزل نیست. با این اوصاف، می‌توان گفت که محدودیت و نظارت فرهنگی بر انتشارات و مطبوعات در داخل کشور اگر قاعده‌مند و به اندازه‌ی معقول و نه به صورت سلیقه‌ای و جهت‌دار صورت گیرد، قطعاً فوایدی دارد و شایسته‌ی اعتنا و التزام است، اما این ممیزی‌ها آن‌چنان که در حال حاضر در جریان است بیش از آنکه فوایدی داشته باشد مفسد و مضراتی ناخوشایند و نامطلوب دارد که آن را از درجه‌ی اعتبار ساقط می‌سازد. لذا در چنین شرایطی انتشار کتابی مثل «بازگشت به اسلام» که قرائتی متفاوت از اسلام و مبانی و منابع آن و نیز اندیشه‌ای نوین و چالش‌برانگیز و در عین حال قابل دفاع را مبتنی بر گزاره‌های متقن عقلی و شرعی ارائه می‌نماید، بی‌تردید در داخل کشور میسر نخواهد شد و انتشار چنین آثار غیر کلیشه‌ای و بدیعی در حوزه‌ی اسلام‌شناسی که چهارچوب‌های متفاوتی را از حیث معرفتی مطرح می‌کنند و انعکاس آن در کشور از طرق قانونی امری به غایت بعید و نزدیک به محال است و کسی که چنین انتظاری دارد به سفاهت و بی‌اطلاعی متهم خواهد شد و لذا نتیجه‌ی تلخ و ناخوشایندی که در آخر سخن می‌توان گرفت این است که اساساً چنین آثاری تنها در یک جا امکان چاپ ندارد و آن هم متأسفانه کشور ما است.